

روش‌شناسی علامه مجلسی در سیره‌نگاری با تکیه بر کتاب جلاء‌العیون

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

سیده فاطمه میرآقاسی رودکی^۱

عباس احمدوند^۲

محمدرضا بارانی^۳

چکیده

۸۱

مجلسی از بزرگترین نویسندگان حدیث شیعه در دوره صفویه، به دلیل رواج اخباری‌گری و تشیع در ایران و نیاز مردم به آشنایی با معصومان (علیهم‌السلام) به نشر آثار شیعه پرداخت. از میان آثار پرشمار مجلسی، جلاء‌العیون به جهت گردآوری روایات سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به زبان ساده بر مبنای روایات شیعی و با استناد به منابع اهل سنت، ارزش فراوانی دارد که بررسی روش‌شناسی مجلسی در این کتاب بسیار ارزشمند است.

در این مقاله روش سیره‌نگاری علامه مجلسی در جلاء‌العیون بررسی شده است تا روشن گردد مجلسی با چه رویکردی به بهره‌گیری از گزاره‌های تاریخی و روایی شیعه و اهل سنت پرداخته، و همچنین در تدوین سیره نبوی دنبال چه هدفی بوده است؟ دست‌آورد پژوهش اینکه مجلسی سیره نبوی را در جلاء‌العیون مستند به گزارش‌های تاریخی منابع شیعی کرده و بر پایه ترکیب گزارش‌های تاریخی با استدلال‌های کلامی شیعی به دنبال تبیین باورهای کلامی شیعه بوده و در این زمینه استناد به منابع اهل سنت را نیز مورد توجه قرار داده تا بتواند برای اهل سنت آن روزگار یا مستبصران آن دوره شواهدی برای باورهای شیعه بیاورد و به استوارسازی باورهای شیعه بپردازد.

کلید واژه‌ها:

سیره‌نگاری، علامه مجلسی، جلاء‌العیون، روش‌شناسی مجلسی.

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش تاریخ تمدن اسلامی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول).

Sf.miraghasi191@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید بهشتی. a_ahmadvand@sbu.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (س). m.barani@alzahra.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۱۴

مقدمه

از آنجا که نگارش سیره در جامعه متنوع و متکثر ایران عصر صفوی یکنواخت نبوده‌است و براساس مکاتب فکری و علمی، اقتضائات زمانه و رهیافت خاص هر عالمی نوشته‌می‌شد؛ بر همین مبنا برای آگاهی از ذهنیت مورخان، عمق بخشی به تحقیقات و ساماندهی دیدگاهها، کمک به کشف نقاط قوت و ضعف دیدگاهها، شناخت منشأ و زمینه پیدایش دیدگاهها، شناخت رویکردها و تحلیل نگرش‌های سیره‌نگاران در سیره نویسی ضروری است.

محمدباقر ابن محمد تقی بن مقصود علی مجلسی^۱ در سال ۱۰۳۷ زاده شد (خاتون آبادی، ۵۰۱). مادر او دختر صدرالدین محمدعاشوری قمی؛ عالمی از خاندان‌های علمی شیعه (تهرانی، الذریعه، ۱۵۱/۱) و پدر او محمدتقی از شاگردان بزرگ شیخ بهایی و نخستین عالمان حدیث دوره صفوی و پدربزرگ او ملا مقصود؛ از اندیشمندان با نفوذ و مروجان مذهب تشیع بود (شاملو، قصص الخاقانی، ۳۷/۲). همچنین نیای خاندان مجلسی؛ حافظ ابونعیم اصفهانی از محدثان و حافظان بنام بوده‌است (امین، ۱۹۲/۹؛ خوانساری، ۱۱۹/۲).

مجلسی از مجلس درس پدر و عالمانی چون ملاصالح مازندرانی، حسن علی شوشتری، ملا محسن فیض کاشانی، ملاصدرا، رفیع الدین محمد بن حیدر طباطبایی نایینی، محمد قاسم قهپایی، محمد شریف‌الدین اصفهانی و شیخ محمدحسن حر عاملی بهره برده‌است (افندی، ۴۰/۵). ایشان از برخی از استادان خود مانند ملاصدرا (۱۰۴۵)، ملاصالح مازندرانی (۱۰۸۱)، ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱) و حر عاملی (۱۱۰۴) اجازه روایت داشته (مجلسی، بحارالانوار، ۷۶/۱۰۲-۸۳) و شاگردان^۲ بسیاری تربیت نموده‌است.

رسمیت مذهب تشیع در ایران توسط صفویان باعث شد تألیفات فراوانی در موضوعات مختلف، مربوط به مذهب تشیع و سیره رسول خدا و دوازده امام علیهم‌السلام انجام پذیرد. مجلسی با محوریت کلام روایی و نقلی در آثار خود به‌نوعی، احیاگر مکتب کلامی قم (شیخ صدوق) در اصفهان بود (مجلسی، بحارالانوار، ۲۵/۱) و تلاش کرد کلام امامیه را با استناد به روایات معصومان علیهم‌السلام عرضه

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۸۲

۱. برای اطلاعات کامل از زندگی مجلسی به کتابهای دیگری چون لولو البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث، ص ۵۵-۶۰، دستور شهریاران، ص ۱۸-۱۹، فیض قدسی، ص ۶۸ و زندگی‌نامه مجلسی در دو جلد رجوع کنید.

۲. در کتاب اجازات الحدیث، تحقیق سیداحمد حسینی، ص ۸۸ تعداد شاگردان مجلسی و اجازاتی که به شاگردان خود داده است ثبت شده است.

کند و اصول مذهب را از طریق اخبار متواتر ارائه نماید (همو، الاعتقادات، ۳۷).

از آنجا که مجلسی یگانه خاستگاه علم را قرآن و اخبار اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانست (مجلسی، بحارالانوار، ۳/۱)؛ با محور قرار دادن کلام نقلی، هیچ‌یک از اندیشه‌های فلسفی را اساس نگارش خود قرار نداده است؛ چنانکه در مرآت العقول می‌گوید: اهل فلسفه از قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام روی گردان شدند و برای کسب علم به سراغ آثار فلاسفه قدیم رفتند (مجلسی، مرآت العقول، ۱/۱۱۹)، اما این رویکرد انتخابی او به معنای عقل ستیزی او نیست، زیرا اولاً در شرح روایات معصومان علیهم‌السلام به ادله عقلی استناد کرده است، ثانیاً در موارد مختلفی از مبانی فلسفی بهره برده است. برای نمونه، در بحث توحید ذاتی، علاوه بر یگانگی خدا به جزء نداشتن خداوند اشاره نموده و به نفی جزء خارجی و ذهنی پرداخته و جنس و فصل را جزء ذهنی دانسته و از خدا نفی نموده است (مجلسی، عین الحیات، ۱۰۶).

برخلاف این‌که روش اندیشه کلامی مجلسی از جهت انحصار منبع معرفت کلامی در روایات به روش اخباریون نزدیک است، اما نمی‌توان او را اخباری صرف نامید؛ زیرا مجلسی در رساله ثلاث^۱ خود آورده که مسلک او در باب اصولی یا اخباری حد وسط و میانه است. شیخ یوسف بحرانی نیز در حدائق الناظره آورده است که در بحث اخباری و اصولی پیروی شود از استاد ما مجلسی که طریقی خلاف این دو برگزیدند و آن طریق بین این دو است (بحرانی، ۱۴/۱-۱۵) از سوی دیگر با توجه به اینکه یکی از شاخصه‌های اخباری‌گری منع اجتهاد و تقلید است، مجلسی بر اساس روایات «عَلَيْنَا إِلْقَاءُ الْأُصُولِ إِلَيْكُمْ وَ عَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ» بر جواز استنباط احکام از عموماً حکم داده است (مجلسی، بحارالانوار، ۲/۲۴۵) و از نظر او اجتهاد و تقلید جایز است و همچنین اجماع کاشف را نیز حجت دانسته و به آن استدلال نموده است (مجلسی، عین الحیات، ۱/۴۱۳). از این‌رو نمی‌توان مجلسی را عالمی صرفاً اخباری و ضد عقل انگاشت.

دوران مجلسی دوران شکوفایی تکاپوهای دیوانی و اندیشه‌های دینی بوده است (صفت گل، ۲۱۷). خدمات دینی او از حیث تالیف و تدریس و ترجمه اخبار و احادیث به زبان فارسی در کنار میزان نفوذ او بر سلطان حسین و جایگاهش در دربار صفویه، نقش او را در بسیاری از تحولات این دوره مشخص می‌کند (نصیری، ۳۸). یکی از مهمترین جریانهای مورد توجه در حکومت صفوی در ارتباط با مجلسی توجه و اختلاف عمیق وی با تصوف و رد آن بوده است؛ به طوری که

۱. رساله‌ای با عنوان رساله «جوابیه محمدباقر مجلسی در تصوف» در مجموعه شماره ۷۲۹۴ در کتابخانه ملی موجود است که به رساله ثلاث معروف شده است.

در رساله عین‌الحیات خود به رد تصوف پرداخته‌است (مجلسی، عین‌الحیات، ۹۹) وی به دلیل دارا بودن موقعیت شیخ‌الاسلامی، با صوفیان تند و بی‌وقفه مبارزه می‌کرد، چنانکه صوفیان نتوانستند از زیر بار کفر و زندقه‌شانه خالی کنند. وی همچنین اصل پشینه‌پوشی، اعتزال و رهبانیت را که اساس تفکر صوفیه بود، بدعت شمرد (زرین‌کوب، ۲۶۰) و این درحالی است که مجلسی خود اهل ریاضت، چله‌نشینی، خلوت و دعا بوده است (آقاجری، ۵۱۱).

علامه از نویسندگان کثیرالتألیف در روزگار پایانی دوره صفوی، در زمینه وحدت ملی ایران و گسترش زبان و ادب فارسی و رشد فرهنگ نقش بسیاری داشته‌است، به‌گونه‌ای که به غیر از آثار عربی، بیش از پنجاه اثر فارسی از ایشان به یادگار مانده‌است.

جلاء‌العیون (۱۰۸۹) یکی از مهم‌ترین آثاری است که مجلسی به زبان فارسی و درباره تاریخ معصومان علیهم‌السلام با استفاده حداکثری از منابع و مصادر شیعی متقدم، نوشته‌است. نویسنده در مقدمه کتاب آورده‌است: در کتاب بحارالانوار آنچه را متعلق به احوال شریفه چهارده معصوم است، در چندین مجلد به زبان عربی و فارسی، با استفاده از کتب سیر و اخبار مخالفان نگاشته‌است و همچنین در کتاب حیات‌القلوب نیز اکثر مطالب گذرا بیان شده‌است، اما چون کتاب اول برای عموم سنگین بوده و کتاب دوم هم در دسترس همگان نبوده‌است، از این روی با کارهای فراوان، به نگارش کتابی فارسی و ساده همت نموده تا برای مردم کاربردی باشد و برای این منظور تنها از روایات معتبر محدثان امامیه بهره برده‌است (مجلسی، جلاء‌العیون، ۲۲) و نیز تاکید می‌کند که تفاوت این اثر با دیگر آثاری که در تاریخ ائمه نوشته شده، آن است که در نگارش آن تنها از احادیث معتبر و کتب امامیه استفاده نموده‌است (همو، ۲۴).

مجلسی این کتاب را در چهارده باب نگاشته و هر باب شامل فصول متعددی است. باب اول این کتاب که محل رجوع نگارندگان در پژوهش حاضر است؛ دربردارنده شش فصل در بیان سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با موضوعاتی چون: ۱- نسب و القاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ۲- نور شریف آن حضرت، ۳- ولادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ۴- وصیت و وقایع نزدیک ارتحال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ۵- رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و وقایع مقارن و بعد از آن، ۶- ضریح مقدس، نگارش یافته (همو، ۲۵-۱۶۱) و دیگر باب‌ها نیز درباره زندگانی حضرت فاطمه علیها‌السلام و امامان علیهم‌السلام است (همو، ۱۶۲-۱۰۱۳). در مقدمه کتاب، ثواب گریستن بر مصیبت اهل‌بیت علیهم‌السلام را یاد نموده و می‌نویسد چون اشک ریختن در مصیبت پیشوایان دین موجب جلای دیده‌های ظاهر و باطن مومنان می‌گردد، این اثر را جلاء‌العیون نامیده است (همو، ۲۵).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۸۵

از مطالعه آثار مجلسی و جلاء‌العیون پیداست که نویسنده با نگاه به مخاطب، زبانی ساده و گاه عامیانه را برگزیده و برخلاف پیچیدگی‌های لفظی رایج دوره صفوی، آگاهانه و با زبانی بدون آرایه‌های ادبی به نگارش سیره معصومان علیهم‌السلام پرداخته‌است. سیره‌نگاران صفوی بنابر نیاز مردم به آشنایی با آموزه‌های دینی، با رویکردهای غالب این عصر، مانند روایی-تاریخی و کلامی-تاریخی به نگارش سیره معصومان علیهم‌السلام اهتمام نشان داده‌اند. مجلسی با رویکرد کلامی-تاریخی با استفاده از روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام، سیره چهارده امام را در جلاء‌العیون نوشته‌است. پژوهش حاضر به بررسی سیره نبوی در این کتاب پرداخته و با روش توصیفی-تحلیلی و با توجه به بستر زمانی و مکانی و دیگر آثار مجلسی، براساس موضوع بندی کتاب جلاء‌العیون به معرفی گزاره‌های تبیین‌کننده رویکرد نویسنده در کتاب مذکور پرداخته‌است و نیز در ضمن آن سعی کرده است تا یکی از معتبرترین آثار مکتب کلامی-تاریخی اصفهان را نیز تبیین نماید.

با بررسی پیشینه پژوهش می‌توان گفت که تاکنون اثری جامع درباره سیره نگاری در کتاب جلاء‌العیون بر مبنای رویکرد کلامی-تاریخی مجلسی انجام نشده‌است. با این حال، برخی از تحقیقات به موضوع پژوهش نزدیک یا مرتبط است. علی‌ملکی میانجی در کتاب «علامه مجلسی، اخباری یا اصولی؟» (۱۳۸۵ش) به تبیین رویکرد مجلسی با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در دوره صفویه پرداخته و مجلسی را اخبار‌گرای اصولی دانسته که با استفاده از آن می‌توان به نوع نگرش مجلسی در این دوره پی‌برد، اما رویکرد ایشان را در کتب سیره بررسی نکرده‌است.

رسول جعفریان و قاسم قریب و حسن طارمی‌راد در مقاله «شیوه نقد اخبار تاریخ اسلام در بحارالانوار» در سال ۱۳۹۵، فصلنامه تاریخ اسلام، به این نتیجه دست یافته‌اند که مصادر تاریخ‌نگاری مجلسی، بیانگر اثرپذیری تاریخ‌نگاری وی از مبانی کلامی شیعه است. این مقاله مجموعه بحارالانوار را بررسی کرده و به بررسی جلاء‌العیون پرداخت.

محمد عظیمی و محمد غفوری نژاد در مقاله «رویکردشناسی علامه مجلسی در قبال معارف بشری؛ فلسفه، عرفان و اصول فقه» (۱۳۹۹ش) فصلنامه پژوهش‌های نوین دینی، به این نتیجه رسیده که مجلسی، عرفان و تصوف رایج زمان خود را مردود دانسته، اما مبانی فکری و رویکرد کلامی او به سوی اصولیان و متکلمان عقل‌گرا بیشتر تمایل داشته‌است. در این مقاله رویکرد مجلسی در سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بررسی نشده‌است.

نظر به فقر پژوهش در این زمینه، در پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از نتایج تحقیقات تقریباً

مرتبط پیش گفته، برای بازشناسی میراث مکتوب شیعه در عرصه سیره، به بررسی رویکرد مجلسی در کتاب جلاء‌العیون پرداخته شده است.

۱. رویکرد روایی-تاریخی

سیره‌نگاران صفوی با رویکرد روایی-تاریخی، ضمن پابندی بر باورها و اعتقادات شیعی عصر خویش و قداست سخنان پیامبر ﷺ با هدف جمع‌آوری میراث مکتوب شیعه از خطر نابودی و بدون بیان دیدگاه کلامی خاص، به نگارش سیره معصومان علیهم‌السلام اهتمام زیادی نشان داده‌اند؛ به طوری که نویسندگان سیره‌ها غالباً در بیان سیره ائمه علیهم‌السلام، در شیوه تاریخ‌نگاری به اخبار و گزارش‌های تاریخی و روایات معصومان علیهم‌السلام از منابع و مصادر شیعی اعتماد نموده و غالباً بدون نقد و تحلیل و بررسی‌سندی به ذکر وقایع تاریخی پرداخته‌اند و فقط اخبار و روایاتی نقد شده‌اند که در تعارض با یکی از باورها یا اخبار پذیرفته شده شیعی باشند؛ به عبارت دیگر، سیره‌نگار با رویکرد روایی-تاریخی، غالباً، نقل‌محور و بدون چارچوب عقیدتی روشن و با اتکا به منابع و مصادر تاریخی به نگارش سیره ائمه علیهم‌السلام پرداخته است. بنابراین به تحلیل گزاره‌های تاریخی در بیشتر موارد اهتمام نداشته‌اند و صرفاً واقعه تاریخی را روایت نموده‌اند؛ زیرا سیره‌نگاران برای حفظ میراث مکتوب شیعه از نابودی آن و باور به قداست سخنان اهل بیت علیهم‌السلام، غالباً به دنبال تحلیل محتوایی گزارش‌های تاریخی نبوده‌اند و نویسندگان در بیان سیره معصومان علیهم‌السلام به صرف این که خبری در منابع و مصادر شیعی وجود داشته‌است، اعتماد نموده و آن روایت را بدون نقد و تحلیل و بررسی‌سندی ذکر نموده- است و مواردی را که خبری با باورهای اجماعی شیعه در تعارض باشد نقد می‌کند.

شاخص‌هایی چون حفظ میراث مکتوب شیعه، بهره‌گیری از منابع متعدد در بیان روایات و گزارش‌های تاریخی با تأکید بر مناقب نگاری ائمه علیهم‌السلام از مهمترین ویژگی‌هایی است که سیره‌نگاران در نگارش سیره با رویکرد روایی-تاریخی به آن توجه می‌کنند. برای نمونه در دوره صفوی، لاهیجی^۱ کتاب تذکره الائمه را با رویکرد روایی-تاریخی نوشته‌است. به گونه‌ای که در بیان

۱. تذکره الائمه توسط محمد باقر مجلسی در مشهد در سال ۱۰۸۵ق نگاشته شده است که یکی از شاگردان وی به نام محمد باقر بن محمد تقی لاهیجی به تلخیص این اثر پرداخته و در مواردی از کتاب بحار الانوار مجلسی هم بهره برده است (صالحی زاده، ۱۹). برخی از نویسندگان در انتساب این کتاب به مجلسی و لاهیجی تشکیک کرده‌اند. فهرست دنا (درایتی، ۱۳۹۰/۲۱۳-۱۰۵۲) مجموعاً ۹۴ نسخه از این اثر را به لاهیجی نسبت داده و ۱۶ نسخه را به مجلسی منسوب نموده است. دانشمندانی چون؛ یوسف بحرانی، متوفی به سال ۱۱۸۶ (بحرانی، ۵۶) و محمد حسین حسینی جلالی در فهرست التراث (حسینی جلالی، ۲/ ۲۴) این کتاب را به مجلسی نسبت داده‌اند، در حالی که برخی دیگر این اثر را به لاهیجی نسبت⁺

معجزات ولادت پیامبر ﷺ می‌نویسد: «در شب ولادت سعادت آیات، آنچنان هفتاد هزار قصر از یاقوت و مروارید بنا کردند و آنها را فصور ولادت نامیدند و جمیع بهشت را زینت کردند و ندا کردند که شاد شو و بر خود ببال که پیغمبر دوستان تو متولد گردید» (لاهیجی، ۵) و به روایتی دیگر در این زمینه اشاره نموده و می‌نویسد: «حق تعالی او را ندا کرد که تویی برگزیده من و بهترین خلق، امت تو بهترین امت‌هاست. پس، از نور آن حضرت جوهری آفرید و آن را به دو نیم کرد و در یک نیم به نظر هیبت نظر کرد و پس از آن آب شیرین شد و در نیم دیگر به نظر شفقت نظر کرد و عرش را از او آفرید و عرش را بر روی آب گذاشت پس کرسی را از نور عرش آفرید و از نور کرسی لوح را آفرید و از نور لوح، قلم را آفرید پس به سوی قلم وحی نمود که بنویس توحید مرا پس قلم هزار سال مدحوش گردید از شنیدن کلام الهی و چون به هوش آمد گفت پروردگارا چه بنویسم؟ فرمود که بنویس: لا اله الا الله محمد رسول الله (همان، ۹۷).

همانگونه که لاهیجی در مقدمه این کتاب گفته از منابع معتبر مسلمانان و غیر مسلمانان در نگارش سیره نبوی استفاده نموده‌است؛ همچنین از نوشته‌های کتاب پیداست که تلخیصی از کتاب تذکره‌الائمہ مجلسی است، بدین روی مجلسی بنابر حفظ باورهای شیعی خود، به‌صرف معتبربودن منابع و مصادر اخبار، گزارش‌های تاریخی و روایات معصومان (علیهم‌السلام)، به بیان آن‌ها بدون نقد و ذکر سلسله اسناد پرداخته‌است.

۲. تبیین رویکرد کلامی - تاریخی در جلاء‌العیون

رویکرد کلامی رویکردی متأثر از مسائل کلامی، از جمله مسائل مربوط به نبوت، بعثت، عصمت و ولایت تکوینی بوده که مبانی حاکم بر آن نیز کلامی است. هدف علم کلام، اثبات اعتقادات و آموزه‌های دینی و دفاع از عقاید دینی است (فیاض لاهیجی، ۷۳/۱-۷۴؛ فارابی ۷۶-۷۷). در این رویکرد نویسنده خود را پایبند به دفاع از عقاید از پیش پذیرفته خود می‌داند و آن را حقیقت می‌انگارد. سیره‌نگاری با رویکرد کلامی - تاریخی که رویکردی تلفیقی است و به

→ داده‌اند، به طوری که محمدحسین خاتون‌آبادی نوه مجلسی و پدر وی محمد صالح، از ذکر این اثر در فهرست آثار علامه خودداری کرده‌اند (خاتون‌آبادی، ۲۵) و آقابزرگ در مورد شناسنامه کتاب تذکره‌الائمہ می‌نویسد: این کتاب در باره تاریخ ائمہ معصومان (علیهم‌السلام) از محمدباقر بن محمد تقی لاهیجی به زبان فارسی است که در سال ۱۰۸۵ آن را نگاشته و به تصوف گرایش داشته‌است (تهرانی، ۲۶/۴) و سیدمحسن امین در نسبت دادن این کتاب به لاهیجی معتقد است: محمدباقر بن محمدتقی لاهیجی از معاصران مجلسی است و تذکره‌الائمہ را در سال ۱۰۸۵ نگاشته‌است؛ اگر چه گروهی به دلیل تشابه اسمی این کتاب را به مجلسی نسبت داده‌اند (امین: ۱۸۵/۹).

نویسنده این امکان را می‌دهد که همراه با پابندی به روایات تاریخی بر باورهای کلامی خویش اصرار ورزد و در نگارش سیره از منابع روایی حداکثر استفاده را بنماید. این رویکرد از سوی کسانی پیگیری می‌شود که به زندگی پیامبر ﷺ هم نگاه تاریخی دارند و هم آن را یک منبع معرفتی می‌دانند؛ از این رو با انگیزه مقدس و با بکارگیری روش تاریخی به سیره‌نگاری روی می‌آورند. سیره‌نگاران در نقل روایات با رویکرد کلامی - تاریخی، به بازگویی عقاید شیعی اهتمام می‌ورزند. روش مجلسی نیز در نگارش روایات نبوی ﷺ در جلاء‌العیون این گونه است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۸۸

۲. ۱. تأکید بر دیدگاه خلقت نوری پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام

انگاره خلقت نوری پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام در منابع حدیثی متقدم شیعه و کلام امامیه از قرون نخستین وجود داشته‌است؛ به‌طوری که سه دسته روایات در باب عوالم پیشین مطرح بوده‌است که عبارتند از: (۱) عالم انوار؛ عالمی که در آن فقط انوار اهل بیت علیهم‌السلام آفریده شده بودند و خبری از دیگر انسانها نبوده‌است، (۲) عالم ارواح؛ عالمی که در آن ارواح همه انسانها مقدم بر ابدانشان آفریده شده‌اند، (۳) عالم ذر؛ عالمی که در آن ابدان همه انسانها به صورت موجودات ریز و ذره وار آفریده شده‌اند (امداد توران، ۱۸).

برخی از اندیشمندان شیعی در تاریخ امامیه، هر سه دسته روایات مربوط به عوالم پیشین را رد یا تأویل نموده‌اند و برخی چون مجلسی با نگاه مثبت به روایات مذکور، دیدگاه نور محمدی را به عنوان یکی از مبانی کلامی اعتقادی شیعه در کتاب جلاء‌العیون شناسانده و به آوردن احادیث بسیاری در این زمینه پرداخته‌است؛ برای نمونه در بیان عالم انوار یا خلقت نوری پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، به نقل از صدوق می‌نویسد: «رسول خدا ﷺ فرمود: من و علی بن ابی طالب از یک نور آفریده شدیم و تسبیح خدا می‌گفتیم در جانب راست عرش پیش از آن که خدا آدم را بیافریند به دو هزار سال، چون خدا آدم را آفرید آن نور را در پشت او جای داد و چون در بهشت ساکن شد ما در پشت او بودیم. چون نوح در کشتی سوار شد ما در پشت او بودیم، چون ابراهیم را در آتش انداختند ما در پشت او بودیم، پیوسته حق تعالی ما را از اصلاّب پاکیزه منتقل می‌گردانید به رحم‌های پاک تا رسیدیم به سوی عبدالمطلب، پس آن نور را به دو نیم کرد و مرا در صلب عبدالله گذاشت و علی را در صلب ابوطالب و به من پیغمبری و برکت داد و به علی؛ فصاحت و شجاعت داد» (مجلسی، جلاء‌العیون، ۳۶).

همچنین مجلسی در روایتی از کلینی در باب عالم ارواح؛ آورده است: «حق تعالی خطاب

نمود به رسول الله ﷺ؛ ای محمد، به درستی که خلق کردم تو و علی را از نوری و روحی بی بدن، پیش از آن که خلق کنم آسمان ها و زمین و عرش و دریا را، پس پیوسته تمجید می گفتند و مرا به یگانگی و عظمت یاد می کردند، پس هر دو روح شما را جمع کردم و یکی گردانیدم، پس آن روح مرا به پاکی و بزرگواری و یگانگی یاد می کرد، پس آن روح را به دو قسمت کردم تا محمد و علی و حسن و حسین صلوات الله علیهم به هم رسیدند، پس خلق کرد حق تعالی فاطمه را از نور تنها و روحی بی بدن، پس آن روح در ما اهل بیت ساری و جاری شد» (همو، ۳۷).

مجلسی درباره عالم ذر و خلقت انسانها در این عالم، روایت کرده است: «چون طینت آدم تمام شد به ملائکه وحی نمود که بشری می آفرینم از گل، چون او را درست کنم و روح در آن بدم؛ همه به سجده در آید نزد او، سپس ملائکه جسد آدم را در بهشت گذاشتند و حق تعالی امر نمود روح آدم را که داخل بدن او شود، روح مکانی تنگ دید و از داخل شدن استعفا نمود و حق تعالی فرمود به کراحت داخل شو و به کراحت بیرون بیا» (همو، ۴۴).

۲.۲. استناد به اخبار فزاینده معجزات در ولادت نبوی

در کتب سیره نگاری از ابن اسحاق و ابن هشام تا عصر نویسنده، روایات معجزات در ولادت نبوی بارها دیده می شود، اما استناد به اخبار معجزات و کرامات در عصر صفوی افزایش یافته است. مجلسی در نگارش سیره نبوی در جلاء العیون با استفاده از اخبار، گزارش های تاریخی و روایات معصومان علیهم السلام به تبیین فضایل و کرامات حقیقی، غیر اکتسابی و ذاتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در برابر کرامات و فضایل اکتسابی مشایخ صوفیه پرداخته است.

مجلسی برای نشان دادن مفهوم و جایگاه ولایت و سرپرستی پیامبر صلی الله علیه و آله در این اثر به بیان وقایع فراتاریخی زمان ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله چون شکستن و سرنگون شدن بت ها در بامداد ولادت ایشان و لرزش ایوان کسری و چهارده کنگره آن و خشک شدن آب دریاچه ساوه (مجلسی، جلاء العیون، ۶۹؛ به نقل از صدوق، امالی، ۲۳۵) و ذکر ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله در صحف دانیال و ذکر این نکته که در هنگام ولادت هیچ پیامبری ملائکه نازل نشدند به غیر از عیسی و احمد (مجلسی، جلاء العیون، ۷۲) پرداخته است.

همچنین از وقایع فراتاریخی در زمان ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله، می توان به هنگام تولد ایشان و خندیدن هر سنگ و کلوخ و درخت، تسبیح آنچه در زمین و آسمان بود، گریختن شیطان با ذکر این جمله که بهترین امت ها و بهترین خلایق و گرامی ترین بندگان عالمیان محمد است، اشاره کرد

(مجلسی، جلاء‌العیون، ۷۷؛ به نقل از ابن شهر آشوب، ۵۸/۱). همچنین از آمنه مادر پیامبر ﷺ روایت می‌کند: «هنگام تولد فرزندم نوری درخشید که قصرهای بصری را از شام دیدم و هاتفی صدا زد که زاییدی سید امت را» (مجلسی، جلاء‌العیون، ۷۴؛ به نقل از کلینی، ۳۰۰/۸).
درباره روایات یادشده می‌توان گفت: در دوره مغول، به دلیل تأثیر تصوف و اولیاءنامه‌هایی که صوفیان برای اولیاء خود می‌نگاشتند، به نظر می‌رسد پیامبر ﷺ از این منظر در رأس ولایت قرار دارد و سزااست که معجزاتی به مراتب مهم‌تر و عجیب‌تر و خارق‌العاده‌تر را حائز شود، لذا آثار سیره‌نگاری این عصر که متأثر از مشرب کلامی مدرسه حله و پذیرش ولایت تکوینی است پر از معجزات ولادت نبوی است و علامه نیز در جلاء‌العیون به معجزات و کرامات معصومان علیهم‌السلام پرداخته‌است.

۳.۲. نفوذ علم نجوم در سیره‌نگاری

در عهد ایلخانان، خواجه نصیرالدین طوسی رصدخانه مراغه را پایه‌گذاری کرد و به دنبال آن موج جدیدی از طالع‌بینی و دانش نجوم در جهان اسلام پیدا شد. بر خلاف آن انگاره‌هایی که سابقاً از احادیث وجود داشت و مسلمانان از پرداختن به علم احکام نجوم منع شده بودند؛ عالمان شیعه در این عصر در آثار خود، به تطهیر علم نجوم پرداختند؛ چنانکه سید ابن طاووس در کتاب فرج المهموم می‌نویسد: «نجوم و علم به آن از آیات خداوند سبحان و از معجزات صاحبان رسالت است»^۱ (ابن طاووس، ۱۱). در آثار مجلسی از جمله در کتاب جلاء‌العیون، گرایش به علم نجوم و طالع‌بینی در گزینش اخبار تاریخی روشن است. مجلسی در باره طوابع پیامبر ﷺ می‌نویسد: «طالع مشتری علامت علم و حکمت و سیاست آن حضرت و طالع عطارد نشانگر ملاحظت و فصاحت ایشان و طالع زهره نشانگر بشاشت و جمال او و طالع مریخ که دالّ بر شجاعت او بود و حق تعالی جمع کرد در آن حضرت، جمیع مدایح را و همچنین بعضی منجمان گفته‌اند: طالع ولادت پیغمبران سنبله و میزان است و طالع حضرت رسول میزان بود. بعضی دیگر گفته‌اند که طالع آن حضرت سماک رامح بود» (مجلسی، جلاء‌العیون ۶۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۸۱/۱).

هم‌چنین مجلسی در بیان امور اعجاز گونه ولادت پیامبر ﷺ در طالع خاص به نقل از ابن شهر آشوب می‌نویسد: «مأمون از شخصی که در علم نجوم ماهر بود، پرسید چرا با این علم و

۱. النجوم العلم بها من آیات مالک الجلاله من معجزات صاحب الرساله.

زیرکی به پیامبر ما ایمان نمی‌آوری؟ وی پاسخ داد: او می‌پندارد که خاتم پیغمبران است و من این را دروغ می‌دانم چون در طالعی متولد شده که هر که در آن طالع متولد شود باید پیغمبر باشد. یکی از حکما در جلسه پاسخ داد که او در طالعی متولد شده که هر فرزندی که در آن طالع متولد شود، همان ساعت می‌میرد و پیغمبر به آن طالع متولد شد و شصت و سه سال زندگی کرد» (مجلسی، جلاء‌العیون، ۶۷؛ همو، حیات القلوب، ۵۰/۲).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۹۱

۲. ۴. ماهیت علم امامان علیهم‌السلام

قلمرو علم ائمه علیهم‌السلام قابل مقایسه با علم بشری و نوابغ نیست. در نگاه شیعه، دانش ائمه علیهم‌السلام سرچشمه الهی داشت و اکتسابی و محدود نیست. مسئله علم امام از آغاز پیدایش موضوع امامت، از دغدغه‌های امامیه بوده است، لذا مسئله علم امام از همان ابتدا در مکاتب شیعی از ویژگی امام دانسته شده است و همه مکاتب شیعی از مکتب کوفه تا مکتب اصفهان بر علم امام پافشاری داشته‌اند؛ با وجود این در این باره اختلاف نظر نیز دارند. برخی علم امام را در حوزه تشریع و برخی در حوزه ولایت تکوینی پذیرفته‌اند. برای نمونه شیخ مفید معتقد است علم برای امام همانند عصمت، یک ضرورت است و تصریح می‌کند که امامیه اتفاق نظر دارند بر اینکه امام باید معصوم و آگاه به تمام علوم و دانش دین باشد و در فضل به کمال رسیده باشد (مفید، اوائل المقالات، ۳۹).

مجلسی درباره علم امام در زمینه تشریع و تکوین معتقد بوده و روایت‌هایی را در جلاء‌العیون بیان نموده که نشانگر این باور کلامی او است و به همین منظور، به نقل از ابن بابویه، روایت می‌کند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روزهای آخر زندگی اسراری را با علی علیه‌السلام در میان گذاشتند. علی علیه‌السلام در پاسخ به پرسش صحابه از چرایی این راز فرمود: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هزار باب از علم به من تعلیم نمود که از هر بابی هزار باب باز می‌گردد» (مجلسی، جلاء‌العیون، ۱۱۱؛ صدوق، خصال، ۶۴۲). وی هم‌چنین درباره علم لدنی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌نویسد: «ابوسفیان به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گفت: پرسشی دارم و حضرت فرمود: پرسش تو را بگویم پیش از آنکه بگویی؟ گفت بلی و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: من شصت و سه سال زندگانی خواهم کرد و ابوسفیان گفت: گواهی می‌دهم که تو راست گویی و رسول خدا فرمود: به زبان می‌گویی نه به دل» (مجلسی، جلاء‌العیون، ۱۲۱) و در روایتی دیگر، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در باره رخدادهایی که تا روز قیامت رخ خواهد داد، به علی علیه‌السلام فرمود: هیچ گروهی از مردم نیستند، مگر آنکه می‌دانم که محق ایشان و گمراه ایشان کیست (همو، ۱۲۳).

۲.۵. آشکارسازی و گسترش دامنه تبری و تولی

در سایه پشتیبانی شاهان شیعی صفویه در ایران و عراق، مذهب تسنن تقلیل یافت (صفاء، ۷/۵) و ظرفیت گسترده و حمایت‌های حاکمان صفوی در نشر فرهنگ شیعه، موقعیت باز فرهنگی را برای علمای شیعه هموار نمود و بسیاری از محدودیت‌هایی که سیره نویسان دوره‌های پیشین با آن رو به رو بودند، برداشته شد و به بیان دیدگاه خود درباره پیامبر ﷺ، صحابه و تکفیر خلفا با استناد به سخنان پیامبر ﷺ پرداختند. مجلسی نیز برای ترویج مذهب شیعه و دفاع از عقاید امامیه، به ویژه موضوع امامت و ولایت، برای نگارش باورهای شیعی نهایت تلاش خود را به کار بست و بر خلاف مکتب کلامی بغداد به توسیع مفهومی تبری در مکتب اصفهان پرداخت.

مجلسی به نقل از شیخ مفید می‌نویسد: «رسول خدا اسامه بن زید را امیر کرد و لشکری از منافقان، اهل فتنه و غیر ایشان برای او ترتیب داد و امر کرد که با اکثر صحابه بیرون رود به سوی روم و به موضعی که پدرش شهید شده بود و هدف ایشان از فرستادن این لشکر آن بود که مدینه از اهل فتنه و منافقان خالی شود و کسی با امیرالمؤمنین ﷺ منازعه نکند تا امر خلافت بر آن حضرت مستقر گردد و مردم را مبالغه بسیار می‌فرمود در بیرون رفتن و اسامه را به حرب فرستاد و برخی را برای بیرون راندن مردم تعیین نمود. پیامبر ﷺ امر کرده بود که ابو بکر و عمر با لشکر اسامه بیرون روند، در این وقت از سخنان عایشه و حفصه خبر یافت که ایشان برای فتنه و فساد به مدینه برگشته‌اند، بسیار غمگین شد که مبادا ابو بکر یا عمر با مردم نماز کنند که این باعث شبهه مردم شود. سپس پیامبر ﷺ فرمود روانه کنید لشکر اسامه را و بیرون روید با این لشکر و خدا لعنت کند کسی را که تخلف نماید» و سه مرتبه این سخن را فرمودند و مدهوش شدند به سبب اندوهی که از نیت‌های فاسد آنان دانست (مجلسی، جلاء‌العیون، ۸۷؛ همو، حیات القلوب، ۲/ ۶۷۹).

در حالی که روایت شیخ مفید چنین است که «سپس پیامبر ﷺ، اسامه پسر زید بن حارثه را به سرکردگی لشکری گماشت و دستور داد با مردم مسلمان به همان‌جا که پدرش کشته شده برای جنگ با دشمنان دین به سوی روم برود و رأی ایشان این بود که گروهی از بزرگان مهاجر و انصار را در لشکر او بفرستد تا هنگام مرگش کسی درباره زمامداری اختلاف نکند و طمع به پیشوایی مسلمانان نبندد و راه را برای آن کس که به جانشینی گماشته بود، هموار سازد و کسی با او به نزاع برنماید، پس پرچم سرداری جنگ را چنانچه گفته شد به نام اسامه بست و در باره بیرون کردن آنان از مدینه سفارش فرمود و به اسامه دستور داد با لشکر خویش از مدینه بیرون رود و در جرف (نام جایی در سه مایلی مدینه) بماند و مردم را به بیرون رفتن و همراه اسامه برانگیخت و از درنگ کردن

در مدینه و همراهی نکردن با اسامه بر حذر داشت. پس از سه روز درباره امامت نماز اختلاف شد و پیامبر ﷺ از سخنان عائشه و حفصه دانست که ابوبکر و عمر بازگشته‌اند، پس برای جلوگیری از فتنه و شبهه به دشواری به نماز رفت. پس از نماز از این دو نفر پرسید چرا بازگشته‌اید و آنان انگیزه خود را گفتند و پیامبر ﷺ فرمودند بپیوندید به لشکر اسامه و از آن باز نمانید، بپیوندید به لشکر اسامه، و سه بار این سخن را فرمودند و آنگاه به واسطه رنجی که از رفتن مسجد به او رسیده بود و از اندوه بسیاری که باو دست داده بود از هوش برفت» (مفید، الارشاد، ۱/۱۸۰ و ۱۸۱).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۹۳

در این روایت شیخ مفید سخنی از منافقان و اهل فتنه نیست و همچنین سخنی از لعنت فرستادن به کسانی که از لشکر بازگشته‌اند نیست. بنابراین می‌توان گفت مجلسی به گسترش دامنه تبری و تولی پرداخته است.

مجلسی بدون تقيه و با بهره‌گیری از ابزار تکفیر در بیان روایت دوات و قلم که در منابع معتبر شیعه و اهل سنت، به طرق گوناگون ذکر گردیده‌است، به نقل از ابن ابی الحدید و شیخ مفید، روایت می‌کند: در یوم الخمیس که درخواست پیامبر ﷺ را مبنی بر آوردن دوات و قلم، اجابت نمودند؛ رسول خدا ﷺ فرمودند: شما را وصیت می‌کنم که با اهل بیت من نیکو رفتار کنید و رو از ایشان بر نگردانید. سپس می‌نویسد: مؤلف گوید که این حدیث دوات و قلم در صحیح بخاری و مسلم و سایر کتب معتبره اهل سنت مذکور است به طرق متعدده (مفید، الارشاد، ۱/۱۷۹ ابن ابی الحدید، ۵۴/۲؛ مجلسی، جلاء‌العیون، ۸۷).

مجلسی در شرح این روایت می‌نویسد: «آیا بعد از این حدیث که همه عامه روایت کرده‌اند هیچ عاقل را مجال آن هست که شك کند در کفر عمر و کفر کسی که عمر را مسلمان داند. اگر بقالی یا علافی خواهد که وصیت کند، کسی مانع وصیت او شود، مردم بر او طعن می‌کنند، هرگاه رسول خدا ﷺ خواهد وصیتی کند که صلاح جمیع امت در آن باشد و کسی مانع او شود، در چنان حالی آن حضرت را آزرده کند و نسبت هذیان به آن حضرت دهد، چگونه خواهد بود حال او؟ و حال آنکه حق تعالی می‌فرماید «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» ... و برای آنکه مبدا امر خلافت امیرالمؤمنین را واضح‌تر گرداند، در همه احوال حضرت داند که غرض ایشان آن است که بعد از آن حضرت انتقام او را از اهل بیت او بکشند، پس لعنت خدا و رسول بر ایشان باد و به هر که ایشان را مسلمان داند و هر که در لعن ایشان توقف نماید» (مجلسی، جلاء‌العیون، ۸۸ و ۸۹؛ همو، حیات القلوب، ۶۸۰). همچنین رویکرد مجلسی در این گزارش که «چون بلال ندای نماز را داد حضرت مطلع شد، پس عایشه گفت که: أبو بکر را بگوئید که با مردم

نماز کند، و حفصه گفت که عمر را بگوئید که با مردم نماز کند، حضرت چون صدای ایشان را شنید و غرض فاسد ایشان را دانست، فرمود دست از این سخنان بردارید که شما به زنانی می‌مانید که یوسف را می‌خواستند گمراه کنند» پیدا است و آشکارا با گزارش شیخ مفید همخوانی ندارد (مجلسی، جلاء‌العیون، ۸۶).

مجلسی علاوه بر اینکه خود در بیان روایات، بنابر فضای باز سیاسی، استقرار حکومت شیعی مذهب و ورود علمای شیعه به دستگاه حکومتی صفویان و حمایت همه جانبه آنان از فقهای شیعه در برابر تقلیل یافتن قدرت اهل سنت نزد حاکمان وقت، بدون هیچ ملاحظه‌ای، تقیه را کنار گذاشته و به تبیین باورهای کلامی شیعه در مکتب اصفهان پرداخته و همچنین پرده از تقیه ورزی عالمان شیعه در همراهی با دیدگاه اهل سنت در زمینه زمان ولادت و رحلت پیامبر ﷺ برمی‌دارد و روایت‌های همسو با محدثان اهل سنت را نه از باب تأیید ایشان، بلکه ناشی از تقیه می‌داند؛ چنانکه در بیان تاریخ ولادت آن حضرت روایاتی از مورخان شیعه و اهل سنت ذکر کرده‌است و در شرح تطابق نظر کلینی با اهل سنت، می‌نویسد: «گویا در تعیین روز ولادت تقیه فرموده، موافق مشهور میان مخالفان بیان کرده‌است» (همو، ۶۴). همچنین در بیان تاریخ رحلت پیامبر ﷺ نیز مجدداً همین روش را به کار برده و در مورد روایت کلینی که تاریخ رحلت پیامبر ﷺ را مصادف با دوازدهم ربیع الاول دانسته، می‌نویسد: «به این قول کسی از علمای شیعه قائل نشده است، شاید محمول بر تقیه بوده باشد» (همو، ۱۲۱).

۲. ۶. دفاع از اندیشه نص امامت

اندیشه نص امامت، در مقابل اندیشه انتخاب امامت، از مبانی اندیشه سیاسی شیعه است که از ابتدا در متون روایی و کلامی خود از آن دفاع نموده‌است. اما با روی کار آمدن مغول‌ها در ایران و سقوط خلافت، دو جبهه ممالیک و ایلخانان شکل گرفت. در جبهه ایلخانی علامه حلی امکان پرداختن گسترده به اندیشه نص و تبلیغ آن را پیدا کرد و در جبهه ممالیک ابن تیمیه به مبارزه با اندیشه نص پرداخت. لذا از این زمان به بعد آثار کلامی و روایی شیعه بر پایه محوریت اندیشه نص و اثبات و تثبیت این اندیشه نگارش یافته و در عصر صفوی هم دفاع و تثبیت اندیشه نص امامت در مقابل انتخاب امامت در کتاب جلاء‌العیون منبعث از آثار مکتب حله به وضوح آشکار است و مجلسی با بیان گزارش‌های تاریخی و روایات معصومان علیهم‌السلام به تبیین اعتقادات و کلام شیعی پرداخته‌است، چنانکه به روایت از علی علیه‌السلام آورده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در هنگام رحلت

خویش در حضور جبرئیل و میکائیل خطاب به من فرمود: ای برادر، چون من از دنیا رحلت کنم، امت غدار به من نپردازند و قبل از غسل و کفن من، مشغول غصب خلافت گردند. تو از پی ایشان مرو و طلب حق خود مکن تا ایشان به طلب تو آیند» (مجلسی، جلاء‌العیون، ۹۹) و در تاکید مسئله امامت، به وصیت پیامبر ﷺ در جمع انصار اشاره می‌کند که دست از اهل بیت من برندارید که ایشان چراغ‌های راه و چشمه‌های حکمت اند (همو، ۹۳) و در روایتی دیگر به نقل از کلینی می‌نویسد: «چون هنگام وفات رسول خدا ﷺ رسید، آن حضرت در جمع مسلمانان فرمود: ای گروه مسلمانان، علی برادر من و وصی و خلیفه من است در امت من و ادا می‌کنندین مرا و وفا می‌کند به وعده‌های من. ای گروه فرزندان هاشم و فرزندان عبدالمطلب و ای گروه مسلمانان! دشمنی با علی مکنید و مخالفت امر او ننمایید که گمراه می‌شوید» (همو، ۱۰۸).

با توجه به اینکه در اعتقادات شیعی، مسئله امامت به واسطه نص و کلام نقلی اثبات می‌گردد، مجلسی تلاش نموده با استفاده از آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام در کتاب جلاء‌العیون بر این موضوع صحّ بگذارد. ایشان همچنین در کتاب حق‌الیقین، تصریح نمودند که مرتبه امامت، نظیر منصب جلیل نبوت است؛ اگر امام را مردم توانند اختیار کرد، باید که مردم نبی را نیز اختیار توانند کرد و این باطل است (مجلسی، حق‌الیقین، ۳۸). در حقیقت انتصاب الهی امام علیه‌السلام از باورها و اعتقادات مهم شیعه در مقابل اهل سنت است که مجلسی با ذکر این گونه روایات، درستی دیدگاه شیعه را نشان داده و آن را با استفاده از روایات شیعه و برخی منابع اهل سنت استوار می‌کند.

۷.۲. نگاه کلامی در نقل روایات اهل سنت

مجلسی به دلیل استفاده حداکثری از اخبار و روایات در نگارش سیره، همواره از روایات معتبر شیعه که خود به دلایلی آنها را معتبر می‌دانسته بهره برده و در شرح آنها از منابع مختلف شیعه و سنی بهره برده و غالباً از منابع اهل سنت در دو حالت استفاده کرده‌است: اولاً در جایی که خبر سنی معارض با اخبار شیعه نباشد و در یک موضوع خاص، مکمل روایت شیعه محسوب شود؛ ثانیاً زمانی که مجلسی قصد مثال آوردن از کتاب‌های اهل سنت برای تحکیم معتقدات شیعه و احتجاج به آنان دارد. اما با توجه به اینکه مجلسی به بسیاری از کتب اهل سنت، نظیر صحاح سته و سیره ابن اسحاق و مغازی واقدی و کتاب‌های تفسیری آنان دسترسی داشته، از ارجاع مستقیم^۱ به

۱. مجلسی از ارجاع مستقیم به کتب اهل سنت اکراه داشته؛ به‌طور مثال کتاب مسند احمد بن حنبل در دوره مجلسی در دسترس بوده، اما ایشان روایات آن را از طریق کتب شیعه قبل از خود مانند کشف الغمّه اربلی (۶۲۹ ق) و الطوائف سید بن طاووس (۶۶۴ ق) روایت کرده‌است.

آنها خودداری کرده و هر روایتی را که نیاز به نقل داشته، به واسطه کتاب‌های شیعه، مانند سید بن طاووس نقل نموده و به شرح و نقد روایت پرداخته‌است. مجلسی در نقل اخبار و روایات در جلاء‌العیون نیز از روایات اهل سنت به مثابه ابزاری برای استوارسازی جایگاه روایات شیعی استفاده نموده و در صورت معارض نبودن با روایات شیعی، گواهی از منابع اهل سنت می‌آورد؛ به گونه‌ای که در بیان حدیث دوات و قلم در یوم الخمیس ابتدا روایتی را از علمای شیعه بیان می‌کند و سپس در تحکیم و تقویت آنها احادیثی را از صحیح بخاری و مسلم و دیگر کتب معتبره اهل سنت ذکر می‌کند (مجلسی، جلاء‌العیون، ۸۸؛ صحیح بخاری، ۹/۷؛ صحیح مسلم، ۷۵/۵؛ ابن ابی‌الحدید، ۵۴/۲).

مجلسی در توجیه استفاده از منابع اهل سنت و نقل اخبار و روایات ایشان، در بحارالانوار می‌نویسد: «اما آثار مخالفان، تنها برای تصحیح الفاظ خبر و شناخت معانی به آنها رجوع نموده‌ایم و البته‌گاه برای رد بر ایشان با بیان مورد تقیه یا تأیید آن چه از طرق ما روایت شده، اخباری از آثار ایشان نقل کرده‌ایم» (مجلسی، بحارالانوار، ۲۴/۱). بر همین اساس علامه برای تأیید و تحکیم روایت شده در منابع شیعه، در صورتی که اخبار اهل سنت معارض با اخبار شیعه نباشد، از منابع اهل سنت بهره برده‌است و هدف او این بوده که نشان دهد مخالفان تشیع هم در تأیید گزارش‌های کلامی شیعه اخبار و روایاتی دارند که مؤید روایات شیعه است و در نگارش جلاء‌العیون جهت تبیین هر چه بیشتر کلام شیعی از این شیوه استفاده نموده‌است.

۲.۸. رفع تعارض روایات شیعی

مجلسی در پی باور و اعتقاد خود نسبت به قرآن و اخبار اهل بیت به عنوان تنها منشأ زلال علم و مهجور ماندن بخشی از اصول حدیثی شیعه در طول تاریخ، بر خود مسلم دانسته تا به جستجوی اخبار پاک معصومان علیهم‌السلام با تمام دقت پردازد (مجلسی، بحارالانوار، ۴/۱). مجلسی در برخورد با روایات متعارض با اندیشه کلامی خود بیشتر از روش علاج ثبوتی بهره جسته‌است و بدون آوردن دلیل و برهان به بیان احتمالات متعدد در جمع اخبار پرداخته و سعی کرده تمام احتمالاتی را که خود دور از ذهن نمی‌دانسته، مطرح کند و با شرح‌های عالمانه خویش به جمع روایات و توجیه آنها پردازد؛ لذا با استفاده از روش‌های مختلف مانند حمل بر تقیه دانستن، تعارض روایات را از بین برده و با استفاده حداکثری از روایات معصومان علیهم‌السلام و از بین بردن تشویش حاصله از تعارض، از تمامی اخبار و روایات جهت تبیین کلام شیعی بهره برد. از این رو، در روایتی به نقل

از کلینی می‌نویسد: پیامبر ﷺ فرمود قبر مرا از زمین چهار انگشت بلند کن (مجلسی، جلاء‌العیون، ۱۴۳؛ کلینی، ۴۵۰/۱) و در روایتی دیگر از شیخ طوسی نقل می‌کند که قبر شریف آن حضرت را یک شبر از زمین بلند کردند (مجلسی، جلاء‌العیون، ۱۴۲؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۴۶۹/۱). مجلسی در رفع تشویش میان این روایات می‌نویسد: «احادیث چهار انگشت بیشتر است و محتمل است که به اعتبار اختلاف شبرها بوده باشد، زیرا چهار انگشت گشاده به یک شبر نزدیک است. محتمل است که در اول چهار انگشت بوده باشد و بعد از ریختن سنگ ریزه یک شبر شده باشد و احتمال دارد که این حدیث محمول بر تقیه بوده باشد» (مجلسی، جلاء‌العیون، ۱۴۳).

۲. ۹. تأثیر رویکرد معنوی بر مفاهیم کلامی

همان‌گونه که از نام کتاب پیداست، یکی از اهداف سیره‌نگاری در جلاء‌العیون، بیان ثواب حزن و گریستن بر آلام و مصائب معصومان علیهم‌السلام است؛ چنانکه در آثار سیره‌نگاران متقدم شیعی و همچنین در قرون نهم و دهم هجری که گرایش به تصوف نقشبندی غلبه یافته بود، گریستن بر اهل‌بیت علیهم‌السلام خصوصاً امام حسین علیه‌السلام تأکید فراوان شده است که نمونه آشکار آن نگارش کتاب روضه الشهداء در سال ۹۰۷ به دست ملا واعظ کاشفی است که محور این اثر، ذکر آلام و مصائب حسین بن علی علیه‌السلام است و نگارش سیره با ذکر مصائب معصومان علیهم‌السلام تا عصر صفوی استمرار داشته است.

مجلسی در نگارش سیره نبوی در جلاء‌العیون متأثر از سیره نویسان پیش از خود، گریستن بر آلام و مصائب اهل‌بیت علیهم‌السلام را محور گفتمان خویش در باب ولایت و امامت بر حق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و حضرت علی علیه‌السلام قرار داده است. برای نمونه، در باب ثواب گریستن بر مصائب اهل‌بیت علیهم‌السلام و محزون بودن برای ایشان چندین روایت را ذکر می‌کند: «کسی که به یاد دیگران آورد مصیبت ما را و بگرید یا بگریاند، گریان نگردد دیده‌اش در روزی که دیده‌ها گریان است و هر که از دیده او یک قطره اشک بیرون آید به جهت ستمی که بر ما رفته، حق تعالی او را در بهشت متنعم گرداند و هر کس ما نزد او مذکور شویم و از دیده‌های او آب جاری شود، حق تعالی روی او را بر آتش جهنم حرام گرداند» (مجلسی، جلاء‌العیون، ۲۷). نیز به نقل از شیخ طوسی می‌نویسد: «هر که از دیده او یک قطره اشک بیرون آید برای خونی که از ما ریخته شده است یا حقی که از ما کم کرده اند، حق تعالی او را در بهشت ابد الابد جای دهد و متنعم گرداند» (مجلسی، جلاء‌العیون، ۲۶؛ به نقل از شیخ طوسی، امالی، ۱۹۴).

همچنین به نقل از ابن شهر آشوب روایت کرده است: رسول خدا ﷺ فرمود: «یا علی! به هر کس مصیبتی برسد، مصیبت مرا یاد کند که آن عظیم‌ترین مصیبت‌هاست» (مجلسی، جلاء‌العیون، ۱۲۲؛ ابن شهر آشوب، ۲۹۴/۱) و به نقل از شیخ طوسی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند «وقتی مصیبتی به تو رسید، مصیبت رسول خدا ﷺ را به یاد آور که هرگز به مردم چنین مصیبتی نرسیده و نخواهد رسید» (مجلسی، جلاء‌العیون، ۱۲۲؛ شیخ طوسی، امالی، ۶۸۱).

از دیگر رویکردهای معنوی در نگارش سیره نبوی در این کتاب، توسل به پیامبر ﷺ، پس از رحلت ایشان است.^۱ مجلسی با استفاده از روایات معصومان علیه السلام به تبیین لزوم توسل به پیامبر ﷺ بعد از رحلت پرداخته و می‌نویسد: «امام صادق علیه السلام به اصحاب خود فرمود: چرا آزرده می‌کنید رسول خدا را؟ مگر نمی‌دانید که اعمال شما بر ایشان عرضه می‌گردد و هرگاه مصیبتی از شما ببیند آزرده می‌شود و برای شما از خدا بخشش می‌خواهد و هر عمل نیک را از شما ببیند دعا می‌کند که خدا توفیق شما را زیاد گرداند» (مجلسی، جلاء‌العیون، ۱۵۲-۱۵۰؛ شیخ صفار، ۴۴۵).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۹۸

نتیجه

کتاب جلاء‌العیون از آثار فارسی علامه مجلسی درباره سیره نبوی است که با هدف آشنا ساختن مردم با سیره پیامبر ﷺ و ایجاد پیوند استوار بین آن و سیره امامان شیعی به نگارش در آمده است. مجلسی با بهره‌گیری فراوان از کلام و رویکردهای خاص و چیرگی آنها بر گزارش‌های تاریخی سیره، به دنبال همسو سازی گزاره‌های تاریخی با باورهای کلامی دوره خویش بوده است. از این رو جایگاه جلاء‌العیون در بازشناسی نگاه رایج دوره صفوی درباره سیره نبوی و بازنمایی آن چندان بالا است که شناسایی این کتاب در حکم اطلاع از رهیافت‌های رایج به نگارش سیره به معنای خاص و عام است. مهم‌ترین مؤلفه‌های کلامی شکل دهنده دیدگاه خاص جلاء‌العیون به سیره، اینها است: تأکید فراوان بر نظریه نور محمدی؛ استناد فراوان به اخبار مربوط به معجزات در زمینه ولادت پیامبر؛ تأکید بر نگاه‌های کیهان‌شناسانه در مباحث گوناگون سیره؛ پای فشردن بر علم امامان و دفاع از اندیشه نصّ در جانشینی پیامبر؛ غلبه کلام بر روایات متعارض با نگاه

۱. به غیر از اندیشمندان شیعی، بسیاری از بزرگان اهل تسنن و پژوهشگران واقع بین این مذهب، با استناد به آیات قرآنی و روایی نیز به مشروع بودن توسل، اذعان داشته‌اند (ابن مرزق، ۱۸۵). برای نمونه، بخاری (د. ۸۷۰) حدیثی را از پیامبر ﷺ در کتاب خود روایت نموده که در روز قیامت، آفتاب به گونه‌ای نزدیک می‌شود که مردم بی‌تاب می‌شوند و ابتدا به حضرت آدم و سپس به حضرت موسی و پیامبر ﷺ متوسل می‌شوند (بخاری، ۴۷۴/۵).

شیعیان درباره سیره پیامبر. بازشناسی این مؤلفه‌ها در کتاب جلاء العیون و مقایسه آنها با دیگر آثار مجلسی در باب سیره و تاریخ را می‌توان از مهم‌ترین مبانی مجلسی در رویکرد به تاریخ و بلکه جریان اخباری‌گری دوره صفوی به شمار آورد.

از سوی دیگر مجلسی به رفع تعارض روایات شیعی پرداخته و گاه روایات اندیشمندان شیعه مانند شیخ مفید را بر اساس باور و رویکرد خویش به نگارش درآورده است. هم‌چنین با غلبه رویکرد عرفانی بر مفاهیم کلامی و روش‌های کلامی، به تبیین رویکرد کلامی شیعه در مکتب اصفهان، در سیره نبوی پرداخته است. به گونه‌ای که در گزینش روایات و گزارش‌های تاریخی، اعتقادات کلامی خود را ملاک دانسته و با بیان روایت‌ها، در پی اثبات باورهای کلامی و شیعی خویش بوده و سیره نبوی را براساس باورهای شیعی عصر خود و برپایه ترکیب استدلال‌های کلامی شیعی و گزارش‌های تاریخی متناسب با اعتقادات کلامی نوشته و همواره گزارش‌های تاریخی را در خدمت تبیین باورهای کلامی شیعه قرار داده است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۹۹

منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
- ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد، شرح نهج‌البلاغه، تصحیح محمدابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۳۷.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، قم، نشرعلامه، چاپ اول ۱۳۷۹.
- ابن مرزق، ابی حامد، التوسل بالنبی و جهله الوهابیون، استانبول، مکتبه ایشیق، ۱۹۷۶م.
- امین عاملی، محسن، أعیان الشیعه، بیروت، دارالتعاریف للمطبوعات، ۱۴۰۳.
- امداد، توران، خلقت نوری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام در اندیشه امامیه نخستین، پژوهشکده کلام اهل بیت علیهم‌السلام، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۹۸ ش.
- افندی، عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، قم، انتشارات خیام، ۱۴۰۱.
- آقاجری، سیدهاشم، مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۸.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحقائق الناظره فی احکام العتره الطاهره، تحقیق محمد تقی ایروانی و عبدالرزاق مقرر، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، بیروت، دار الکثیر، ۱۴۰۷.
- تهرانی، آقابزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳.

- جعفریان، رسول، قریب، قاسم، طارمی راد، حسن، «شیوه نقد تاریخ اسلام در بحارالانوار»، تاریخ اسلام، ش ۶۷، ۱۳۹۵ ش.

- حسینی جلالی، سیدمحمدحسین، فهرس التراث، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ سوم، ۱۴۲۲.
- حلی، سید ابن طاووس و علی رضی الدین، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم- معرفه نهج الحلال من علم النجوم، قم، دار الذائر، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.

- خاتون آبادی، عبدالحسین، وقایع السنین و الاعوام، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲ ش.

- خوانساری، میرزا محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، جلد اول، تحقیق اسداله اسماعیلیان، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۲ ش.

- زرین کوب، عبدالحسین، دنباله جستجو در تصرف ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹.
- درایتی، مصطفی؛ دنا (دست‌نوشت‌های ایران)، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰ ش.

- شاملو، ولی قلی خان بن داوود قلی، قصص الخاقانی، به کوشش حسین سادات ناصری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ ش.

- صفت‌گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، انتشارات رسا، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان فارسی، جلد پنجم، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۸ ش.

- صالحی‌زاده، هادی، احمدوند، عباس، نوئی، ابراهیم، باباپور گل افشانی، محمد مهدی، تصحیح کتاب تذکره الاثمه علامه لاهیجی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۹ ش.

- صدوق، محمد بن علی بن الحسین، الخصال، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۳.
- طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، قم، دارالثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴.
- _____، تهذیب الاحکام، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ش.
- صفار، محمدبن حسن، بصائر الدرجات، تحقیق میرزا حسن کوچه باغی، تهران، منشورات الاعلمی، ۱۴۰۴.

- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- عظیمی، محمد و غفوری نژاد، محمد، «رویکرد شناسی علامه مجلسی در قبال معارف بشری؛ فلسفه، عرفان و اصول فقه»، فصلنامه پژوهش‌های نوین دینی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۹ ش.

- فارابی، ابو نصر محمد، احصاء العلوم، بیروت، دارالمکتبه الهلال، ۱۹۹۶ م.
- فیاض لاهیجی، عبد الرزاق، شوارق الالهام، جلد اول، شرح مقصد اول، ۱۴۲۶.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۱۰۰

- لاهیجی، محمدباقر، تذکره الائمه، تهران، نشر مولانا، ۱۳۶۲ ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، جلد اول، دوم و بیست و دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- _____، حیات القلوب زندگانی محمد ﷺ پیامبر اسلام، جلد دوم، چاپ سوم، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- _____، الاعتقادات، ترجمه مهدی پور، اصفهان، عماد زاده، ۱۳۷۴ ش.
- _____، حق الیقین، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۷ ش.
- _____، جلاءالعیون؛ زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، تحقیق سیدعلی امامیان، قم، نشر سرور، ۱۳۸۴.
- _____، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴.
- _____، عین الحیات، بی جا، دارالاعتصامی، ۱۳۷۶ ش.
- مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، تصحیح محمدفواد عبدالباقی، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۲.
- ملکی میانجی، علی، علامه مجلسی اخباری یا اصولی، قم، نشر دلیل ما، ۱۳۸۵ ش.
- مفید، محمد، الارشاد، قم، موسسه ال البيت، چاپ اول، ۱۴۱۳.
- _____، اوائل المقالات، بیروت، دارالمفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴.
- نصیری، محمدبن ابراهیم بن زین العابدین، دستور شهریاران (سال های ۱۱۱۰-۱۱۰۵ق) پادشاهی شاه سلطان حسین صفوی، به کوشش محمد نادر نصیری مقدم، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸



پژوهش نامه
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۴،
زمستان ۱۳۹۸

۱۰۲